

فلسفه تحریم غیبت و آثار فردی و اجتماعی آن

فاطمه پیروزبخت¹

چکیده:

غیبت یکی از لغزش‌های بزرگ زبان است که در اصطلاح به معنای پشت سر مؤمن بدگویی کردن با گفتار یا اشاره است و در روایات بسیاری این عمل زشت، قبیح شمرده شده و عذاب سختی برای آن بیان در نظر گرفته شده است. علت این امر را در پیامدهای مهلک فردی و اجتماعی آن می‌توان یافت. هدف در این تحقیق، روشن‌سازی فلسفه‌ی تحریم غیبت، و بررسی آثار و پیامدهای آن است. البته برای درک بهتر انگیزه‌های غیبت نیز مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق به روش توصیفی انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: آثار، پیامد، تحریم، غیبت، لغزش، زبان.

¹ - سطح دو، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) - شیراز، fapiruz@gmail.com

مقدمه

انسان‌ها آفریده شدند تا به کمال برسند و راه تقوا را پیشه کنند. خداوند برای انسان‌ها حد و مرزهایی قرار داده است، و از آن‌ها خواسته که دستورات الهی را اطاعت کنند و فرمودند که هر کس از حدود غافل شود عواقب آن نیز گریبان وی را خواهد گرفت یکی از این حد و مرزها، غیبت کردن و بدگویی از دیگران است. غیبت کردن یکی از لغزش‌های بزرگ زبان است که قرآن به شدت آن را نهی می‌کند و روایات فراوانی در نکوهش آن به دست ما رسیده است. در این تحقیق به بررسی مفهوم غیبت از دیده آیات و روایات و فلسفه تحریم غیبت و همچنین انگیزه‌ها و آثار آن پرداخته می‌شود.

کتاب اخلاق عبدالله شبر و کتاب اصول کافی از شیخ کلینی و همچنین کتاب محجة البیضا و فی تهذیب الاحیاء از محسن کاشانی، در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. غیبت، گناهی است که از ابتدای خلقت بشر وجود داشته و پیامبران که مسئولیت هدایت بشر را به عهده داشتند با این رذیله اخلاقی به مبارزه پرداختند. در نظام اخلاقی اسلام، غیبت یکی از شاخه‌های مهم و برجسته‌ی ظلم، به شمار می‌آید و ظلم به خود، ظلم به دیگران و ظلم به خدا، را نیز شامل می‌شود. غیبت در میان رذایل اخلاقی جایگاه مهمی دارد و از معدود گناهانی است که در قرآن کریم و همچنین روایات به صراحت از ارتکاب به آن نهی شده است علاوه بر این با توجه به این که غیبت تأثیر زیانباری بر ایمان شخص غیبت کننده می‌گذارد و بهداشت روانی جامعه و نیز وحدت میان مسلمانان را تهدید می‌کند شایسته است باری دیگر تأملی ژرف پیرامون بعضی زوایای این رذیله بشود و با شناخت کافی نسبت به این موضوع از ارتکاب به آن جلوگیری شود.

1 - مفهوم شناسی

الف - غیبت

تعریف لغوی:

غیبت یعنی عیب کسی در غیاب او گفتن¹، غیبت به معنی بدگویی کردن از کسی در غیاب او²، غیبت یعنی پشت سر کسی بدگویی کردن و عیب او را گفتن³.
مفهوم اصطلاحی:

غیبت کردن یعنی یاد کردن بدی‌های کسی در غیاب او، به شرط آن که شخص دارای آن بدی‌ها باشد و در غیر این صورت بهتان است.⁴
غیبت عبارت است از این که در غیاب کسی عیبی از او بگویی که حکمت و وجدان بیدار تو را از آن نهی می‌کند.⁵

ب - مفهوم غیبت از منظر قرآن

غیبت یکی از لغزش‌های بزرگ زبان است که قرآن کریم به شدت از آن نهی کرده است. قرآن کریم می‌فرماید:

« غیبت یکدیگر روا مدارید، هیچ یک از شما آیا دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ البته کراهت و نفرت از آن دارید »⁶
در این فراز از آیه، یکی از بدترین رذایل اخلاقی، مورد توجه قرار گرفته است، رذیله‌ای که قرآن در میان ماهیت و اندازه‌ی زشتی آن، تشبیه بی‌سابقه‌ای به کار برده و بدگویی پشت سر مردم را مانند این دانسته که انسان گوشت برادر مرده خود را بخورد.⁷ در حالی که معمولاً خوردن، عملی است که با التذاذ توأم است. غیبت کردن کاری نفرت انگیز است. اگرچه به انگیزه التذاذ صورت می‌گیرد. ولی با آگاه شدن از واقعیت آن نه تنها لذت بخش نیست بلکه

¹ - انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج 6، ص 5225.

² - دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 11، ص 16891.

³ - عمید، فرهنگ عمید، ج 2، ص 1500.

⁴ - دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص 16891.

⁵ - طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 9، ص 336.

⁶ - « وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ » سوره حجرات: آیه 12.

⁷ - فتحعلی خانی، علم اخلاق 2، ص 224.

بسیار ناخوشایند است. این ناخوشایندی را همگان درک می‌کنند. همان‌گونه که همه، ناخوشایندی خوردن گوشت برادر مرده‌ی خویش را درک می‌کنند.¹

و حاصل معنای آیه این است که غیبت کردن مؤمن به منزله‌ی، آن است که یک انسانی، گوشت برادر مرده‌ی خود را بخورد. حال چرا فرمود گوشت برادرش؟ برای این که مؤمن برادر اوست. چون از افراد جامعه‌ی اسلامی است که از مؤمنین تشکیل شده² و خدای متعال فرموده در این باره می‌فرمایند:

«در حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران ایمانی خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید.»³

و چرا او را مرده خواند؟ برای آنکه آن مؤمن، بی‌خبر از این است که دارند از او غیبت می‌کنند. و این که فرمود «فَكَرِهْتُمُوهُ» و نفرمود «فَتَكْرَهُنَّ» اشعار دارد به این که کراهت شما امری است ثابت و محقق و هیچ شکی در این نیست که شما هرگز راضی نمی‌شوید یک انسانی را که برادر شماست و مرده است، بخورید. پس همان‌طور که این کار مورد کراهت و نفرت شماست، باید غیبت کردن برادر مؤمنان، و بدگویی در دنبال سر او نیز مورد نفرت شما باشد، چون این هم در معنای خوردن برادر مرده شماست.⁴

ج - مفهوم غیبت از منظر روایات:

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند:

« غیبت آن است که درباره برادرت چیزی بگویی که خداوند آن را پوشیده نگه داشته است.»

اما بازگویی صفت ظاهری مثل عصبانیت و عجله غیبت نیست.⁵

¹ - فتح‌علی‌خانی، علم اخلاق 2، ص 224.

² - طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 18، ص 484.

³ - «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» سوره حجرات: آیه 10.

⁴ - طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 18، ص 485-486.

⁵ - «الْغَيْبَةُ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَمَّا الْمُرُ الظَّاهِرُ فِيهِ مِثْلُ الْحِدَّةِ وَالْعَجَلَةِ فَلَا» کلینی، کافی، ج 2، ص 267.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «غیبت آن است که درباره برادرت چیزی بگویی که او را خوش نیاید»¹
همچنین امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید:

«هر کس پشت سر کسی چیزی گوید که دیگران از آن خبر دارند، غیبت نکرده است اما اگر کسی چیزی بگوید که حقیقت دارد ولی مردم از آن بی‌خبرند، غیبت کرده است و هر کس چیزی بگوید که حقیقت ندارد، بهتان زده است»²

د - فلسفه تحریم غیبت

دوام و بقای هر جامعه به میزان یکپارچگی، صمیمیت و اعتماد متقابل انسان‌ها، بستگی دارد. هر اندازه افراد جامعه هم‌آهنگ‌تر باشند، آن جامعه ثبات بیشتری خواهد داشت. همچنین هر اندازه میان مردم ناهم‌آهنگی و بی‌اعتمادی بیشتر باشد، نابودی و فروپاشی آن سریع‌تر است. اسلام که جامعه را به منزله‌ی پیکر واحد و افراد را چونان اندام‌های آن می‌داند، بر آنچه موجب تقویت روح هم‌بستگی می‌شود، تأکید می‌ورزد و از آنچه موجب تضعیف وحدت و یکپارچگی می‌شود، نهی می‌کند.³

غیبت یکی از اموری است که جامعه متحد اسلامی را به تدریج گرفتار تفرقه می‌کند. این گناه کبیره، اجزای مجتمع بشری را یکی پس از دیگری فاسد می‌کند و از صلاحیت داشتن آن آثار صالحی که از هر کسی توقعش می‌رود ساقط می‌کند و آن آثار صالح عبارت است از این‌که هر فرد از افراد جامعه با فرد دیگر بیامیزد و در کمال اطمینان و سلامتی از هر خطری، با او یکی شود و ترسی از ناحیه‌ی او به دل راه ندهد. نه این‌که از دیدن او بیزار باشد و او را فردی پلید بشمارد. در این هنگام است که از تک‌تک افراد جامعه آثاری صالح عاید جامعه گردد.⁴
وقتی انسان از شخصیتی غیبت کند و عیب‌های او را برای دیگران برملا سازد، شنوندگان، از او متنفر می‌شوند و عضوی از جامعه از محبوبیت می‌افتد و بذر کینه و عداوت در دل‌ها پاشیده می‌شود و گاه سرچشمه‌ی نزاع‌های خونین و قتل و کشتار می‌گردد. و حیثیت و آبرو و

¹ - «قالوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ» مجلسی، بحارالانوار، ج 72، ص 222.

² - «مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِنْ عَرَفَهُ النَّاسُ لَمْ يَغْتَبِهِ وَمَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ اغْتَابَهُ وَمَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَهُ» کلینی، کافی، جلد 5، ص 433.

³ - جوهری، نیش و نوش، ص 82.

⁴ - طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 18، ص 484.

*- غیبت کردن، انسان را از مدار ولایت الهی خارج می‌کند و از بهشت محروم می‌سازد.¹
یکی از پیامدهای ناگوار غیبت، محرومیت از بهشت است. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می‌فرماید:

«بهشت بر سه نفر حرام است: سخن چین، کسی که غیبت می‌کند و کسی که دائم الخمر باشد.»²

در برخی روایات استفاده می‌شود که حتی در صورتی که غیبت کننده توبه نماید، باز هم آخرین نفری است که به بهشت وارد می‌شود.

خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) وحی فرستاد که اگر غیبت کننده توبه نماید آخرین کسی است که وارد بهشت می‌شود و اگر توبه نکند اولین کسی خواهد بود که داخل آتش می‌شود.³

همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هر کس از مسلمانی به منظور عیب‌جویی و ریختن آبروی سخنی نقل کند تا او را در انظار مردم خوار و مرهون سازد، خداوند او را از ولایت خویش رانده و شیطان را بر او مسلط می‌کند.»⁴

ب - پیامدهای اجتماعی

- 1- اجتماع آلوده به غیبت، هرگز روی وحدت و یگانگی و صمیمیت و الفت را نخواهد دید و یک اجتماع رشدیافته‌ی انسانی که باید سراسر عاطفه و محبت باشد، نخواهد بود.⁵
- 2- نشر عیب مردم، محیط و جامعه را آلوده و جرأت دیگران را بر گناه نیز می‌افزاید.⁶
- 3- بدگویی پشت سر مردم، آتش کینه و عداوت را دامن می‌زند، زیرا شخصی که پشت سر او بدگویی شده است، از این که راز وی فاش شده و آبروی او ریخته است، سخت عصبانی

¹- قرائتی، تفسیر سوره حجرات، ص 114.

²- «تَحْرُمُ الْجَنَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ: عَلَى النَّمَامِ وَعَلَى الْمُغْتَابِ، وَعَلَى مُدْمِنِ الْخَمْرِ»، مجلسی، بحارالانوار، ج 72، ص 258.
³- «وَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ إِنَّ الْمُغْتَابَ إِذَا تَابَ فَهُوَ آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ» مجلسی، بحارالانوار، ج 72، ص 260.

⁴- «مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رِوَايَةً يَرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَهَدَمَ مُرُوثَتَهُ لِيَسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ» محجة البيضاء في تهذيب الاحياء، ج 5، ص 296.

⁵- سبحانی، نظام اخلاق اسلامی، ص 142.

⁶- قرائتی، تفسیر سوره حجرات، ص 114.

می‌گردد و تصمیم به انتقام می‌گیرد.¹

4- پرده‌برداری از معاصی و گناهان پنهانی مردم، سبب می‌شود که آن‌ها اعمال ننگین را بی‌پروا انجام دهند، زیرا آبرو و ترس از فاش شدن مانع آن است که فرد دست به گناه بزند و اگر هم بزند، به طور مخفیانه و با کمال ترس و ملاحظه بدان دست می‌زند. اگر ما بر اثر بدگویی پرده از روی اسرار مردم برداریم و حیثیت و آبروی آن‌ها را بریزیم، دلیل ندارد که دیگر آن‌ها از مردم ملاحظه کنند. بسیاری از مردم از ترس زوال حیثیت و ریختن آبرو، از ارتکاب یک سلسله جرائم خودداری می‌کنند و اگر ما این مانع را که در واقع یک سرمایه‌ی معنوی برای شخص است از دست وی بگیریم، دیگر مانعی برای اجتناب از معصیت نخواهد داشت. علاوه بر این فاش کردن راز مردم، نه تنها موجب جرأت فاعل می‌گردد بلکه در شنوندگان ضعیف‌الایمان نسبت به گناه، جرأت و جسارت ایجاد می‌نماید و این‌گونه غیبت‌ها سرچشمه‌ی اشاعه فساد و فحشاء خواهد بود.²

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«کسانی که درباره‌ی مسلمانی، آنچه را که با چشم خود دیده یا با گوش خود شنیده‌اند بگویند، از کسانی هستند که خداوند درباره‌ی آن‌ها می‌فرماید: کسانی که دوست دارند، گناه در میان مسلمانان اشاعه پیدا کند برای آن‌ها عذاب دردناکی است.»³

¹ - سبحانی، نظام اخلاق اسلامی، ص 142.

² - همان، ص 143-144.

³ - «مَنْ قُلَ فِي مُؤْمِنٍ مَرَأَتُهُ، عَيْنَاهُ أَوْ سَمِعَتْهُ أَذْنَاهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ وَآمَنُوا لَهُمْ عَذَابُ الْيَمِّ» (کلینی، اصول کافی، ج 5، ص 330).

نتیجه‌گیری:

زبان، از جمله نعمت‌ها و موهبت‌های الهی است که هر انسانی فطرتاً از آن بهرمند است. علی‌رغم این‌که گفتار و سخن، از ارزش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اما اگر درست و به جا از آن استفاده نشود می‌تواند به رذیله‌ای اخلاقی تبدیل شود که جامعه‌ای را به فساد بکشانند. یکی از این رذیله‌های اخلاقی، غیبت کردن از دیگری است. با توجه به این‌که حرمت غیبت از مسلمات و ضروریات فقه به شمار می‌رود اما متأسفانه کمتر انسانی را می‌توان پیدا کرد که در شبانه‌روز مرتکب این عمل ناپسند نشود. یکی از مهم‌ترین فلسفه تحریم غیبت، ضربه زدن و خدشه‌دار کردن شخصیت فرد غیبت شونده است. دین مبین اسلام برای آبرو و حیثیت مسلمانان احترام زیادی قائل است و برای کسانی که بخواهند با بدگویی از دیگری، حیثیت وی را خدشه‌دار کنند، عذاب دردناکی در نظر دارد. بدون شک، غیبت کردن با انگیزه‌های مختلفی انجام می‌شود و در پی آن آثار مخرب فردی و اجتماعی فراوانی به جا می‌گذارد.

از بین رفتن حسنات و خوبی‌ها، منع قبولی طاعات و خارج شدن از مدار ولایت الهی از پیامدهای فردی غیبت است. البته پیامدهای اجتماعی آن می‌تواند، جامعه‌ای را به تباهی بکشانند. اجتماع آلوده به غیبت روی الفت و صمیمیت را نخواهد دید و نشر عیب مردم، جرأت آن‌ها بر گناه راهی افزایش و آتش کینه و عداوت را شعله‌ور می‌سازد.

از آن‌جا که ترک غیبت بسیار مشکل است در آغاز راه باید زحمت بسیار متحمل شد و در کارزاری سخت با نفس درآمیخت. تا مهار زبان از دست نفس اماره بیرون آمده و در اختیار عقل قرار گیرد. انسان می‌تواند با مقایسه‌ی فواید و زیان‌های غیبت، به این حقیقت دست‌یابد که در واقع، غیبت هیچ فایده‌ای ندارد بلکه زیان‌هایی که در دنیا و آخرت به بار می‌آورد از حد محاسبه بیرون است. به دلیل محدودیت‌هایی که برای این تحقیق وجود دارد این نوشتار از بررسی مطلب جزئی و ابعاد دیگر غیبت باز ماند.

فهرست منابع:

* قرآن

الف - کتب فارسی

- 1- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: نشر سخن، چاپ چهارم، 1381 ه.ش.
- 2- امین، محمد، آفات زبان، تهران: نشر طیب، چاپ سوم، 1372 ه.ش.
- 3- جوهری، شکیبا، نیش و نوش، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، 1387 ه.ش.
- 4- جباران، محمدرضا، درسنامه علم اخلاق 2، قم: نشر هاجر، چاپ هفتم، 1383 ه.ش.
- 5- خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران: نشر آثار امام خمینی، چاپ چهل و ششم، 1371 ه.ش.
- 6- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات تهران، چاپ دوم، 1377 ه.ش.
- 7- شبر، عبدالله، اخلاق، ترجمه‌ی محمدرضا جباران، قم: نشر هجرت، چاپ چهارم، 1374 ه.ش.
- 8- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن و الفرقان، تهران: انتشارات اسوه، 1384.
- 9- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه‌ی تفسیر المیزان، قم: نشر اسلامی، چاپ بیست و هشتم، بی تا.
- 10- فتحعلی خانی، محمد، علم اخلاق 2، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)، چاپ دوم، 1389 ه.ش.
- 11- قرائتی، محسن، تفسیر سوره حجرات، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ بیست و هشتم، 1375 ه.ش.
- 12- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر، چاپ شانزدهم، 1379 ه.ش.
- 13- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه‌ی محمدباقر کمره‌ای، تهران: اسوه، 1384.
- 14- کاشانی، محمد بن مرتضی، محجۀ البیضا فی تهذیب الاحیاء، قم: مؤسسه‌الحمیین، بی تا.
- 15- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: علی بن ابی طالب، 1377 ه.ش.
- 16- _____، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، 1385 ه.ش.

14- مهدوی کنی، محمدرضا، اخلاق عملی، قم: نشر مسجد مقدس جمکران، چاپ چهارم، 1389ه.ش.

15- محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث، چاپ هفتم، 1385.

16- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران: اسلامیة، چاپ پنجم، 1386.

ب- مقاله:

1- عبدالله، زکی، غیبت و پیامدهای آن، www.bsharat.com.